

وامق و عذرای نامی اصفهانی

محسن ذاکر الحسینی

وامق و عذرا، میرزا محمدصادق نامی، به کوشش رضا انزابی نژاد - غلامرضا طباطبائی مجد، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۸۱، بیست و چهار + ۱۳۱ صفحه.

میرزا محمدصادق موسوی اصفهانی، متخلص به «نامی»، منشی و وقایع‌نگار دولت کریم‌خان زند و شاعر خوش‌قریحه نیمه دوم قرن دوازدهم هجری است که در سال ۱۲۰۴ ق درگذشته است. وی مؤلف تاریخ گیتی‌گشای (در تاریخ زندیه) است، که اول بار در ۱۳۵۷ با تصحیح و مقدمه شادروان سعید نفیسی به چاپ رسیده است. همچنین پنج مثنوی به تقلید از خمسه نظامی گنجوی سروده، که خود آن را نامه نامی خوانده، و مشتمل است بر: دُرُج گهر، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، وامق و عذرا، یوسف و زلیخا.

از چهار مثنوی نامی، دستنویس‌هایی بر جای مانده، اما از نسخه یوسف و زلیخای او نشانی در دست نیست (مقدمه وامق و عذرا، ص ۵۰). در فهرست نسخ دارالکتب قاهره، پنجمین مثنوی نامه نامی (نسخه آن کتابخانه)، به جای یوسف و زلیخا، با عنوان ویس و رامین معرفی شده است (منزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران ۱۳۵۱، ص ۳۲۶۱ و ۳۳۰۶)، و اگر این عنوان درست باشد، ظاهراً احتساب یوسف و زلیخا جزو نامه نامی اصلاً سهو بوده است.

وامق و عذرا چهارمین مثنوی از خمسه نامی است که در ۲۷۱۶ بیت، در بحر رمل مسدس محذوف (یا مقصور)، سروده شده و چندین ساقی‌نامه در ضمن آن آمده است. در این مثنوی، چنان‌که مصححین نیز نوشته‌اند، «زبان شاعر پخته و تصویرها دل‌پذیر و

استوار و درخور یک منظومه غنایی است» و بعضی نکات لغوی از آن مستفاد می‌شود.
(مقدمه وامق و عذرا، ص یازده)

از میان محققان معاصر، به غیر از آقابزرگ تهرانی، که ضمن معرفی اجمالی نامی، از مهم‌ترین منابع حاوی شرح حال او یاد کرده، سعید نفیسی، در مقدمه مبسوط تاریخ گیتی‌گشای، و محمدعلی تربیت، در مجله آینده (ج ۲، ص ۵۳۳)، احوال نامی را بازگفته‌اند (آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۹، بخش ۴، بیروت، بی تا، ص ۱۱۶۵-۱۱۶۶) و شادروان حسین بحر العلومی، که قصد چاپ وامق و عذرا و دیگر آثار نامی را داشته، در سال ۱۳۵۳، در مقاله «صادق نامی و وامق و عذرای او» (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۲۱، ش ۱، ص ۲۵-۳۲)، نامی و این منظومه‌اش را معرفی کرده که متأسفانه، در چاپ مورد گفتگو، از این منابع استفاده نشده است. همچنین، برای اطلاع از دیگر روایت‌های منظوم و منثور داستان وامق و عذرا، به تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی سعید نفیسی، مقاله پیش‌گفته حسین بحر العلومی، و مقاله محمدرضا راشد (مندرج در مقدمه چاپ انزابی‌نژاد - طباطبائی مجد)، می‌توان مراجعه کرد.

منظومه وامق و عذرای نامی، که با بیت

ای ز نامت نامه نامی بنام وی به نامت افتتاح هر کلام

آغاز می‌شود و با بیت

حق تعالی داردش اندر پناه داردش از آفت حاسد نگاه

به پایان می‌رسد، بر اساس مقابله چهار نسخه خطی:

— شماره ۳۵۹۴، مجموعه اهدائی حاج محمد نخجوانی، نستعلیق بی تا (این نسخه ناتمام و احتمالاً به خط سراینده است)، نسخه اساس؛

— شماره ۳۰۳۰، مجموعه اهدائی حاج محمد نخجوانی، نستعلیق ۱۲۱۲؛

— شماره ۵۷، مجموعه اهدائی حاج حسین نخجوانی، نسخ ۱۲۱۶؛

— شماره ۲۷۹۸، مجموعه اهدائی حاج محمد نخجوانی، تحریر ۱۲۵۴؛

تصحیح شده و متأسفانه نمونه تصویر هیچ‌یک از نسخه‌ها در این چاپ نیامده است.

این هر چهار نسخه در کتابخانه ملی تبریز نگهداری می‌شود و، برای جستجوی دیگر دستنویس‌های اثر، سایر مخازن نسخ خطی مورد توجه قرار نگرفته و حتی به فهرست نسخه‌های خطی فارسی احمد منزوی هم مراجعه نشده است. در فهرست مذکور، نشان

دوازده نسخه دیگر از وامق و عذرای نامی در کتابخانه‌های تهران، مشهد، یزد، لندن، قاهره، و بنگال بازنموده شده است، از جمله: قاهره، دارالکتب، شماره ۱۰۵ - ادب فارسی - طلعت، شکسته‌نستعلیقِ سراینده، مورخ ۱۱۲۸ - ۱۱۳۱ (؟)، ذیل نامه نامی؛ تهران، کتابخانه ملی، شماره ۳۱۷/۴ ف، شکسته‌نستعلیق فتح‌الله فراهانی، ظاهراً مورخ ۱۱۹۸ (منزوی، ج ۴، ص ۳۲۹۳). همچنین، حسین بحرالعلومی نسخه‌ای از این کتاب در اختیار داشته که سی سال پس از مرگ نامی به خط شکسته‌نستعلیق زیبای میرزا ابراهیم خوشنویس، برادرزاده نامی، کتابت شده است. (بحرالعلومی، ص ۲۷)

این چاپ با مقدمه مصححین و مقاله ارزشمند «شعر غنایی و وامق و عذرا» نوشته محمدرضا راشد آغاز شده، و از برخی غلط‌های چاپی و بعضاً لغزش‌های مربوط به فن تصحیح تهی نیست؛ از جمله: آتشین‌پای (ص شش، سطر ۱۱)، رساله الفتیان (ص پانزده، سطر ۱۷)، زاخا و (ص نوزده، حاشیه ۳)، پروریدت (ص ۴، بیت ۲)، ار (ص ۴، بیت ۵)، خود (ص ۴، بیت ۱۰)، جان (ص ۴، بیت ۱۵)، کیک (ص ۶۴، بیت ۷۵)، خواصش (ص ۷۱، بیت ۵)، به جای آتشین‌پا (با توجه به وزن)، رساله الفتیان، زاخائو، پروریدش (با توجه به معنی و افعال بعد)، از (با توجه به معنی)، جود (با توجه به معنی و قافیه)، جای (با توجه به قافیه)، کبک، خواصش (بدون تشدید، با توجه به وزن).

مصححین این اثر، در یادداشت سرآغاز کتاب به ضرورت چاپ انتقادی تمام آثار علمی و ادبی و دینی اشاره کرده‌اند که از حیث تاریخ فرهنگ و تدوین لغت‌نامه جامع فارسی اهمیت دارد (ص پنج) و آنگاه، با استناد به شواهدی از متون، به ذکر نمونه‌هایی از لغات پرداخته‌اند که به زعم ایشان در فرهنگ‌ها نیامده است. البته اصل این ادعا (فوت شدن واژه‌هایی بسیار از فرهنگ‌های فارسی) حقیقتی است انکارناپذیر، اما نمونه‌ها بدون دقت و تحقیق انتخاب شده است. این نمونه‌ها به شرح زیر است:

آتش‌پای (آتشین‌پای): بی‌قرار، استجعال: پایمزد خواستن، پدفوز: گرداگرد دهان، پناویدن: زندانی کردن، پوز گشودن: اندکی بهره‌مند شدن، پیچیدن در چیزی: پرداختن به چیزی، جمعیت: خاطر جمعی، جوال (در جوال کسی گنجیدن): به لاف و گراف کسی فریب او را خوردن، جود: باران درشت‌دانه و ریزان، خواندن: کیش دادن (کیش دادن) در بازی شطرنج، دست دادن از هم: جدا شدن، سخن چین: کسی که از دانش و سخن کسی بهره‌مند گردد و گفته‌های او را مانند دانه برچیند، سرآمد: سرانجام، سروا: افسانه، شه پیلی: حرکتی در شطرنج، عنایت: نگرانی، قضا کردن: عفو کردن، کتوم: رازدار، مُزلزل: لرزان و ناتوان.

پس از یک جستجوی سراسری، معلوم شد که از میان این هیجده نمونه، دست کم ده مورد زیر در فرهنگ‌های مشهور آمده است:

آتش‌پا و آتش‌پای، به همین معنی، در فرهنگ آندراج، چاپ دبیرسیاقی، ذیل آتش‌پا و آتشین‌پای؛

بدپوز و بدفوز و پدفوز، به همین معنی و با همان شاهد، در فرهنگ جهانگیری، چاپ رحیم عفیفی و فرهنگ آندراج؛

جمعیت، به همان معنی، در فرهنگ آندراج؛

در جوال کسی نگنجیدن، با همان شاهد، در فرهنگ نوادر لغات و ترکیبات و تعییرات آثار عطار نیشابوری (مشهد ۱۳۷۴، ص ۲۶۳)، تألیف رضا اشرف‌زاده، به معنی «بیرون از توان و قدر کسی بودن» که با بیت شاهد مناسبت دارد؛

جود، به همان معنی، در فرهنگ آندراج؛

سخن‌چین، به همان معنی، در فرهنگ آندراج؛

سروا، به معنی «حکایت، حدیث»، در فرهنگ جهانگیری و فرهنگ آندراج؛

شہ‌پیل و شہ‌پیلی و شاه‌پیل در فرهنگ فارسی معین، ذیل همین مواد با اندک تفاوتی در تعریف؛

کتوم، به همان معنی، در فرهنگ آندراج؛

مُرْزَل، با همان شاهد، در فرهنگ فارسی معین.

گفتنی است که در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰، شرح و تحلیل منظومه وامق و عذرا به کوشش نسرین تهرانی؛ شرح و تحلیل منظومه لیلی و مجنون (۲۷۰ ص) به کوشش وجیهه

کرم‌پسندی؛ بازنویسی و نگارش نسخه خطی منظومه خسرو و شیرین (۲۹۲ ص) به کوشش راویه کردافشاری، به عنوان پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد، در واحد علوم و تحقیقات

دانشگاه آزاد اسلامی عرضه شده است. (ایمانی، بهروز، «معرفی پایان‌نامه‌های تحصیلی در حوزه

تصحیح متون»، بخش سوم، آینه میراث، سال پنجم، ۱۳۸۱، شماره ۲ و ۳، ص ۱۳۷)

□